نَقَدْ عَرَفْنَاهُ فَكَيْفَ نُصَلِّي عَلَيْكَ اِذَا صَلَّيْنَا عَلَيْكَ فِي صَلَوٰتِنَا
صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْكَ قَالَ فَصَمَتَ حَتّٰى اَحْبَبْنَا اَنَّ الرَّجُلَ لَمْ يَسْأَلْهُ
ثُمَّ قَالَ اِذَا صَلَّيْتُمْ عَلَيَّ فَقُولُوا اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ
الْاُمِّيِّ وَعَلٰى اٰلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلٰى اِبْرَاهِيْمَ وَعَلٰى اٰلِ
اِبْرَاهِيْمَ وَبَارِكْ عَلَى النَّبِيِّ الْاُمِّيِّ وَعَلٰى اٰلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ
عَلٰى اِبْرَاهِيْمَ وَعَلٰى اٰلِ اِبْرَاهِيْمَ اِنَّكَ حَمِيْدٌ مَجِيْدٌ اقبال
پیش آمدن و روآوردن حمت یعنی حمات وصموت ایشان در رهرود خاموش بودن
از باب نصر اجابت بکسر درست و این حدیث یعنی در صحیح ابن حبان و مستدرک
حاکم و مسند امام احمد مروی است از ابو مسعود انصاری بدری رضی الله عنه که گفت
پیش آمد و رو آورد مردی که عقبه بن عامر است تا آنکه نشست پیش رسول خدا صلی الله
علیه وسلم و حال آنکه ما که جماعت صحابه ایم حاضریم نزد رسول خدا پس گفت آنمرد ای
رسول خدا اما سلام بر تو پس تحقیق شناخته ایم لفظ و طریقه آن سلام را که تعلیم
کرده ما را یعنی در تشهد که السلام علیک ایها النبی و رحمة الله و برکاته یا لفظ
و طریقه آن سلام را که بآن از نماز بر می آییم و عبد البر گفته است و الاول اظهر یا لفظ
و طریقه آن سلام را که متعارف است و آن قول السلام علیک است و زیاده ایها النبی
و رحمة الله و برکاته از خصوصیات تشهد است گویا که آنمرد از معنی صلوا علیه
و سلموا تسلیما استفسار مینماید زیرا که صیغه صلوة مبهم است معین نیست و معنی اخیر
بهتر است پس چگونه ای بکدام لفظ یعنی صیغه صلوة مامور بها بر تو بگوییم ای الصلوة
علیک مانند السلام علیک یا صلی الله علیک بر اراده انشا یا بر قصد دعا یا غیر
ذلک بگوییم وقتی که خواهیم صلوة فرستیم بر تو خصوصا در نمازهای خود که صلوة و درود

ابو داود

٥٠

بر تو وسیله قبول عبادة و کمال طاعت و تمام قربت است و قاضی عیاض گفته است
که صلوة مامور بها احتمال معنی رحمت و دعا و تعظیم دارد پس ما آن صلوة را بکدام لفظ
ادا کنیم انتهی پس کیف بلفظ کیف سوال از صفت می باشد نه از جنس بلکه ما سوال از جنس است
فصمت ای گفت راوی که ابو مسعود انصاری است پس خاموش بود رسول خدا تا آنکه
دوست داشتیم که آنمرد سوال نمیکرد از رسول خدا که از استفاده کلام شریف بسبب این
سوال محروم شدیم تا آنکه رسول خدا انتظار وحی خواهند کشید قوله ثم قال ای پس یعنی
بعد از آمدن وحی فرمود رسول خدا انتظار وحی وقتی که صلوة و درود بر من فرستید
پس بگویید این صیغه صلوة را و این امر ندب است در نماز نزد جمهور خلافا للشافعی
و در روایت محب طبری است فسکت حتی جاء الوحی فقال تقولون اللهم صل الی آخره
و در این حدیث ایمائی است بسوی عجز خلق از حقیقت آن صلوة که نزد خداست بر
آنحضرت لهذا مامور شدند که حواله کنند این امر عظیم را بسوی خدا و از خدا بطلبید
مَنْ سَرَّهُ اَنْ يَكْتَالَ بِالْمِكْيَالِ الْاَوْفٰى اِذَا صَلّٰى عَلَيْنَا اَهْلَ الْبَيْتِ
فَلْيَقُلْ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ الْاُمِّيِّ وَاَزْوَاجِهِ اُمَّهَاتِ
الْمُؤْمِنِيْنَ وَذُرِّيَّتِهِ وَاَهْلِ بَيْتِهِ كَمَا صَلَّيْتَ عَلٰى اٰلِ اِبْرَاهِيْمَ
اِنَّكَ حَمِيْدٌ مَجِيْدٌ و در نسخه است علی ابراهیم موافق سلاح المومنین
مسرت را ذکر کردن اکتیال نموده فاستدن [illegible] اکتلت علیه ای اخذت
منه یقال کال المعطی و اکتال الآخذ بکیال بکسر پیمانه اوفی یعنی در سنن ابو داود مروی است
از ابو هریره رضی الله عنه که رسول خدا فرموده است که کسی را شاد کرد او را اینکه بپیمود
برای او ثواب را با پیمانه و بگیرد ثواب را به پیمانه که تمام تر است یعنی ثواب بلا فزاید
منگا تر باید و بگیرد پس باید که بگوید این صیغه صلوة را وقتی که درود بگوید بر ما اهل البیت

١٤٨